



حجت الاسلام والمسلمین محسن غرویان درباره مساله عدالت درالگوی ایرانی و اسلامی

محور عدالت همین در انیشه مصلحان دینی مطرح بوده است. سید قطب هم کتابی در این زمینه دارد و فکر می کنم که خود مقام معظم رهبری هم در جوانی شان کتابی در همین زمینه ترجمه کرده اند.

عدالت درالگوی ایرانی و اسلامی در گفت وگویی خبرآنلاین با غرویان / عدالت گرایی منافقین هم التقاطی بود اندیشه - گفت وگویی خبرآنلاین با حجت الاسلام والمسلمین محسن غرویان درباره مساله عدالت درالگوی ایرانی و اسلامی محسن غرویان جزو شاگردان خاص آیت الله مصباح یزدی بوده است. غرویان اکنون استاد جامعه المصطفی العالمیه و رئیس دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد است. متن زیر گفتگویی است با محسن غرویان درباره نظریه ناب عدالت اسلامی در الگوی ایرانی - اسلامی.

تدوین نظریه عدالت ناب اسلامی چه سابقه ای در حوزه های علمیه و محیط های دینی ما دارد؟

محور عدالت همین در انیشه مصلحان دینی مطرح بوده است. سید قطب هم کتابی در این زمینه دارد و فکر می کنم که خود مقام معظم رهبری هم در جوانی شان کتابی در همین زمینه ترجمه کرده اند. بنابراین عدالت اجتماعی در اندیشه مقام معظم رهبری نیز از قدیم وجود داشته است. البته بحث عدالت از زمان صدر اسلام بویژه در کلمات امیرالمومنین مطرح بوده است. عدالت یکی از ویژگی ای بارز امیرالمومنین بود؛ تا آن جایی که گفته اند " قد قتلہ عدله ". یعنی عدل امیرالمومنین باعث قتل او شد. اندیشه عدالت از دیرباز در جهان اسلام وجود داشته است.

نظریه عدالت ناب اسلامی در طول تمدن اسلامی تدوین نشده است؟

نه، ما کتاب مدون و مشخصی در این زمینه ندیده ایم ولی بحثهای حول محور عدالت در علم کلام وجود داشت. مثلاً عدالت به عنوان یکی از صفات خداوند متعال، یکی از مباحث اختلافی بین امامیه، معتزله و اشاعره در کلام اسلامی بود. البته آن بحثها صبغه نظری داشتند و چندان ناظر بر مسائل اجتماعی نبودند. در فقه نیز عدالت به عنوان صفتی برای قاضی، امام جمعه، امام جماعت و حاکم به کار رفته است. در روایات ما تعبیر " الامام العادل " فراوان به کار رفته است. امام عادل هم منحصرماً معصوم نیست. این تعبیر درباره غیر معصوم یعنی حاکم و قاضی عادل نیز به کار رفته است.

اگر در طول تاریخ 1400 ساله تمدن اسلامی با آن همه متفکر بزرگ این نظریه تدوین نشده است، به نظر شما در شرایط کنونی امکان تدوین چنین نظریه ای وجود دارد.

تدوین نظریه بلامشکل است. می توان بحث کرد و به نظریه ای مشخص رسید.

حالا فرض کنیم که نظریه ای تدوین شد. آیا باید به سایر متفکران گفت که این آخرین حرف در باب عدالت اسلامی است یا اینکه این نظریه نیز نظری در کنار سایر نظرات می شود؟

بله، همین طور است. یعنی آخرین حرف نخواهد بود ولی در این زمینه باید کاری صورت بگیرد و اقتضاء اش این است که برخی از متفکران چنین نظریه ای تدوین کنند. البته به نظر من، ما چندان هم مشکل نظریه نداریم. مشکل اصلی ما مشکل تحقق و اجرا است.

چرا در دوران فعالیت دولتی که با شعار عدالت اجتماعی روی کار آمد، بحث عدالت ناب اسلامی مطرح شده است؟ آیا عدالت گرایی این دولت ناب نیست؟

من قائل به این تقارن نیستم. یعنی انگیزه طرح این بحث را تقابل با این دولت نمی دانم. این بحث جزو مباحث نظری ای است که همیشه مطرح بوده اند. شاید دولت احمدی نژاد توقعی را در جامعه فراهم کرده است و مقام معظم رهبری می خواهند به این توقع اجتماعی پاسخ دهند. رهبری احساس وظیفه کرده اند که گروهی از متفکران را جمع کنند تا نظریه عدالت اسلامی تدوین شود. یعنی حالا که شعارش مطرح شده است مباحث نظری اش هم پیگیری و طراحی شود.

قبلاً گفته می شد دو گفتمان عدالت و آزادی در جامعه ایران وجود دارد و در سال 84 گفتمان عدالت بر گفتمان آزادی غلبه کرد. اما الان انگار صرف گفتمان عدالت کفایت نمی کند بلکه گفتمان عدالت به دو قسم التقاطی و ناب تقسیم شده است.

البته کلمه ناب کلمه ای کشدار است. در مباحث نظری مربوط به این موضوع باید روشن شود که کلمه ناب چه تفسیری دارد و به چه معناست.

ظاهراً عدالت ناب اسلامی به معنای عدالتی به کار رفته است که درآمیخته با مکاتب غربی نباشد.

بله، یعنی التقاطی نباشد و عدالت اسلامی با عدالت سوسیالیست ها و کمونیست ها مخلوط نشود؛ زیرا عدالت شعار مارکسیست ها و منافقین هم بود. قبل از انقلاب بحث عدالت و جامعه بی طبقه توحیدی از طرف حزب توده و منافقین و سایر گروههای چپگرا مطرح می شد. مقصود مقام معظم رهبری می تواند این باشد که عدالت ناب یعنی عدالتی که صرفاً مبتنی بر مبانی فلسفی، کلامی و فقهی اسلامی باشد.

بعد از انقلاب در این زمینه بحث تئوریک جدی ای در جامعه ما مطرح شده است؟

نه. تا جایی که من می دانم، بعد از انقلاب بحث تئوریک جدی ای در این باره نشده است.

چرا این موضوع در سی سال گذشته مورد توجه حوزه های علمیه نبوده است؟

حوزه های علمیه متفکرین و اساتید و مراجع بزرگواری دارد که همه آنها مثل حضرت امام و مقام معظم رهبری در متن مسائل و حوادث اجتماعی و عینی جامعه نبوده و نیستند. البته حضرت امام و همین طور مقام معظم رهبری موج جدیدی را در حوزه های علمیه ایجاد کردند. با این حال من هم معتقدم که بحث در این باره با تاخیر و کاستی فراوان دارد صورت می گیرد. مقام معظم رهبری به عنوان یک مجتهد و فقیه مصلح اجتماعی که در متن مباحث اجتماعی قرار دارند، الان به طرح و تدوین این گونه مباحث احساس نیاز بیشتری می کنند. این مبحث یکی از مباحث فقه کاربردی ما است که تا کنون به صورت جسته و گریخته به آن پرداخته شده است.

یکی از نقدهایی که در این سال ها به روحانیت وارد می شد این بود که روحانیت کمابیش خلق و خوی اشرافی دارد و دغدغه عدالت اجتماعی را ندارد و به همین دلیل به موضوع عدالت اجتماعی چنانکه باید نپرداخته است.

من معتقد نیستم که ما بتوانیم کل مجموعه روحانیت زندگی و خلق و خوی اشرافی دارند. کل روحانیت این طور نیست. حالا ممکن است چند نفری از روحانیان زندگی اشرافی داشته باشند ولی سطح زندگی مراجع و اساتید ما در حد مردم متوسط است.

در جامعه شناسی سیاسی از مفهوم اشرافیت فکری هم بحث می شود. یعنی طبقه ای که به لحاظ معرفتی بالاتر از طبقات فرودست است و طبیعتاً دغدغه های طبقات پایین جامعه را ندارد. من مفهوم اشرافیت را به این معنا به کار بردم.

اشرافیت فکری اگر به این معناست که روحانیت از حیث جایگاه فکری و علمی در موقعیت بالاتری نسبت توده مردم قرار دارند، این یک واقعیت است. بالاخره روحانیت با علومی که تحصیل می کند در موقعیت رهبری فکری جامعه قرار می گیرد و توده مردم را به لحاظ فکری هدایت می کند و به مردم خط می دهد. اما از حیث سطح زندگی و ثروت و مکنت، روحانیت در حد متوسط است. یعنی نمی توان گفت که روحانیت قشری است که به دنبال ثروت اندوزی و زندگی اشرافی است. زندگی اشرافی الان در اختیار تجار، کسبه، کارخانه داران و متمولینی است که ثروت آنها اصلاً با بزرگترین مقامات روحانی ما، که از نظر علمی و رهبری فکری جایگاه بالایی دارند، قابل مقایسه نیست. البته توقع اینکه تمام دغدغه روحانیت سیب زمینی و پیاز و نان و آب و گاز مردم باشد نیز توقع نابجایی است؛ زیرا دغدغه های روحانیت به لحاظ صبغه علمی اش، مسائل فکری و علمی و تحقیق و پژوهش است. اما روحانیت همیشه از حقوق فقرا و ضعفا حمایت کرده است. یعنی تحقیقات و تئوری های روحانیت معطوف به دفاع از مستضعفین و فقرا و بیچارگان بوده است. تئوری های روحانیت به نفع متمولین و بورژواها و سرمایه داران نبوده است.

در سده اخیر کدام یک از حوزویان به طور جدی به عدالت اجتماعی از منظر اسلام فکر کرده اند و در این زمینه تئوری پردازی کرده اند؟

من چهره شاخصی در این زمینه نمی شناسم مگر خود حضرت امام. امام خمینی همیشه از حقوق پابرهنگان، فقرا و بیچارگان دفاع می کردند. اقداماتی مثل تاسیس کمیته امداد در جهت برقراری عدالت اجتماعی بوده است. امام در سخنرانی هایشان از پابرهنگان و توده

مردم حمایت می کردند. امام همیشه از توده مردم حمایت می کردند.

این نکته انتقادی هم مطرح شده است که مساله ای که دغدغه فکری نخبگان جامعه باشد، خود به خود مورد توجه آنها قرار می گیرد و لازم نیست که حکومت از بالا به نخبگان بگوید این مساله را به عنوان موضوع تفکر نخبگان اعلام کند.

به هر حال حاکم اسلامی، یعنی مقام معظم رهبری که شخصیتی فرهنگی هم هستند، باید دغدغه های خودشان را مطرح کنند و از صاحب نظران حوزه و دانشگاه بخواهند که این مساله را مورد تمرکز فکری خودشان قرار دهند. اینکه بالاترین شخصیت نظام فکر نخبگان را به مساله عدالت معطوف کند، واجد اهمیت و تاثیر است. ذهن انسان ها جوال و آزاد است و نخبگان درباره مسائل گوناگون فکر می کنند. مقام معظم رهبری می خواهند افکار نخبگان را به این سمت معطوف کنند تا بلکه ما به تئوری مدونی در باب عدالت ناب اسلامی برسیم.

شما فکر می کنید در حوزه های علمیه از این به بعد تمرکزی بر روی این مساله شکل می گیرد؟

امیدوارم این طور شود. به نظر من این مساله باید مورد توجه مسئولین حوزه علمیه قرار گیرد و شورای عالی حوزه باید به ضرورت طرح بحث های کاربردی تر در حوزه های علمیه در خصوص مساله عدالت توجه کند. یعنی باید گرایش ها و محل های تحقیق ویژه ای در این زمینه ایجاد شود.

رهبری انقلاب به این نکته اشاره کردند که وضعیت فعلی عدالت در جامعه ما مطلقاً راضی کننده نیست. بعضی از منتقدین هم این سؤال را مطرح کردند که چرا پس از سی و دو سال حکومت اسلامی، وضعیت عدالت اجتماعی در ایران چنین است؟

بله، به هر حال این سؤال جای طرح هم دارد. برداشت بنده این است که این سخن ناظر بر وضعیت تحقق عدالت بود.

چرا وضعیت تحقق عدالت اجتماعی مطلقاً راضی کننده نیست؟

به هر حال دولت های مختلفی در این مدت بر سر کار آمده اند. قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه در این زمینه نقش دارند و این ها باید به این سؤال پاسخ بدهند که چرا وضعیت تحقق عدالت این گونه است.